

بیانات معظم له در دیدار پرستاران، به مناسبت سالروز میلاد فرخنده حضرت زینب (س) - 3 / مرداد / 1380

بسم الله الرحمن الرحيم

پرستاران عزیز، خواهران و برادران! خیلی خوش آمدید. امیدوارم که به برکت نام مبارک حضرت زینب سلام الله علیها و سالگشت ولادت این بزرگوار، جامعه‌ی پرستاری کشور - که خود را منتسب به این نام کرده است - مشمول لطف و عنایت ویژه‌ی الهی قرار گیرد.

لازم است دو مطلب در خصوص پرستار و پرستاری مورد توجه قرار گیرد:

مطلب اول این است که چون این شغل، یکی از سخت‌ترین مشاغل است؛ باید با همین خصوصیت، از نظر مسؤولان و برنامه‌ریزان شناخته شود. پرستار، انسان مهربانی است که با رفتار و اخلاق و خدمات خود، سلامت بیمار را به او هدیه می‌کند. اگر طبیب، درمان خود را به انجام رساند، اما خدمات پرستاری نباشد، تأمین سلامت بیمار دشوار است. هر کس که از خدمات پرستاران مهربان برخوردار شده باشد، می‌فهمد و می‌داند که نقش پرستاران در هدیه کردن سلامت به بیماران، چقدر مؤثر است. این موجود بشری - که کار فرشته‌گون انجام می‌دهد - با سختیهای زیادی روبه‌روست. بیماریهای گوناگون، اخلاق تند و به ستوه‌آمده‌ی بیمار در بستر و روی تخت بیماری، مشکلات ناشی از وضع بیمار، بیماریهای سخت و احیاناً واگیر، فضای گرفته‌ی بیمارستان؛ همه‌ی اینها چیزهایی است که این حرفه را با همه‌ی شرافت و قداستش، در شمار یکی از سخت‌ترین مشاغل قرار می‌دهد. فرق است بین کسی که فقط با جسم خود خدمت می‌کند، و آن کسی که علاوه‌ی بر این که جسم و بازوان و نیروی بدنی خود را در خدمت کار قرار می‌دهد، ناگزیر است با روح و اخلاق و عواطف خود هم کار کند؛ به روی بیمار لبخند بزند، او را دلگرم کند، تندی و تلخی را از او تحمل کند و فضای دشوار بیماری را برای او آسان نماید. این حقیقتاً یکی از سخت‌ترین کارهاست.

کسانی که در زمینه‌های مختلف، برنامه‌ریز و تصمیم‌گیرند، باید به این شغل با این چشم نگاه کنند و برطبق این خصوصیت، درباره‌ی آن تصمیم بگیرند. مردم هم که به خدمتگزاران جامعه در همه‌ی رده‌ها، به چشم احترام نگاه می‌کنند، باید با این چشم به این شغل و شاغلان زحمتکش آن نگاه کنند. احترام پرستار لازم است. پرستار باید این را احساس کند که برای شغل و مسؤولیت و تلاش او، مردم و جامعه و مسؤولان اهمیت قائلند. این، سختیها را برای او آسان می‌کند.

نکته‌ی دوم این است که بدانید خدای متعال پاداش زحمات سخت را چنان که حق و شایسته‌ی آن است، ادا می‌کند. کار را برای خدا و به حساب او بگذارید. بله، مردم و مسؤولان باید به وظیفه‌ی خودشان عمل کنند؛ اما پرستار، طرف خود را خدا بداند. اگر این احساس در پرستار بیدار شود که کار او برای خداست، به بنده‌ی خدا و به انسان نیازمند کمک می‌کند تا رضای الهی را جلب کند. بنابراین کار او نورانیت پیدا می‌کند و از سطح یک کار بشری فراتر می‌رود؛ آن‌گاه اجر کار او «لاتعدّ و لاتحصی» است. هر لحظه‌ی دشوار شما در کنار تخت بیمار و در مواجهه با سختیهای این کار دشوار - که این لحظه‌ها را هیچ کس نمی‌تواند درک کند؛ فقط خود شما درک می‌کنید و کسی که کار شما را انجام می‌دهد - از چشم تیزبین مأموران الهی بیرون نیست. آن دقیقه‌ی بیشتری که کار می‌کنید، آن چهره‌ی مهربان و پُرعطوفت و لبخندی که نشان می‌دهید و به حسب ظاهر هیچ کس از آن قدرشناسی نمی‌کند - نه مسؤول شما آن را می‌بیند، نه مأموران عالی‌رتبه‌ی دولتی از آن حرکت کوچک مهربانانه‌ی شما مطلع می‌شوند، و نه خود آن مریض مجال تشکر پیدا می‌کند - در دفتر انصاف و عدل الهی ثبت می‌شود. «فمن يعمل مثقال ذرة خیرا یره (30)»: اگر شما به قدر سنگینی یک ذره - یعنی ذراتی که شما در تابش نور خورشید به درون اتاق مشاهده می‌کنید و اصلاً نمی‌شود سنگینی آنها با ابزارهای معمولی اندازه‌گیری کرد - کار نیک بکنید، آن را در قیامت به چشم خودتان خواهید دید؛ پاداش آن به شما برمی‌گردد و ضایع نمی‌شود. فرق تفکر الهی با تفکر مادی همین جاست. بنا بر معارف والای الهی، در عالم طبیعت و وجود، هیچ حرکتی، هیچ رفتاری و هیچ احساسی ضایع نمی‌شود. وقتی نسبت به بیمار احساس ترحم می‌کنید و انگیزه‌ی مهربانی در دلتان نسبت به آن بیمار می‌جوشد، همان هم اجر دارد. آن را چه

کسی می بیند و احساس می کند؟ خدای متعال که عالم السرّ و الخفیّات است - «یعلم خائنة الأعین و ما تخفی الصدور» (31) - و هر آنچه که در دلها و خاطره های ما می گذرد، می داند و به آن آگاه می شود، پاداش خواهد داد. قدر این شغل را بدانید. حسابها را از هم جدا کنید. این که جامعه ی پرستاری به خاطر خدمات و زحمات خود، از بخش دولتی یا از بخش های دیگر مطالباتی دارد و آنها باید صورت گیرد، به جای خود محفوظ و باید بشود؛ همه باید وظیفه ی خودشان را در مقابل پرستار و جامعه ی پرستاری بدانند؛ اما در کنار این بخش، این را هم فراموش نکنید که کار شما به مقتضای سختی و ظرافت و نامحسوس بودن بسیاری از تلاشهایش در چشم مردم، خصوصیتی دارد که می تواند آن را در پیشگاه عدل الهی مورد توجه ویژه قرار دهد. اینها مهم است. البته این توصیه هایی که به شما عرض می کنیم، مربوط به شما و دل شما و خداست. توصیه ی ما به مسؤولان این است که وظایف خودشان را در مقابل این مجموعه انجام دهند.

نام مبارک حضرت زینب نشان دهنده ی تلاشی از این نوع است. تلاش حضرت زینب سلام الله علیها فقط این نیست که از امام بیماری در کربلا حراست و پرستاری کرده است. حضرت زینب از روح کلی اسلام و جامعه ی آن روز مسلمین پرستاری کرد؛ پرستاری بزرگ او آن جاست. حضرت زینب در مقابل یک دنیا بدی، ظلم، بی انصافی، حیوان صفتی و قساوت، یک تنه ایستاد. و با این ایستادگی، توانست از روح کلی اسلام حراست و پرستاری کند. همچنان که می گوئیم امام حسین علیه السلام اسلام را حفظ کرد، می توانیم دقیقاً ادّعا کنیم که حضرت زینب سلام الله علیها هم با ایستادگی خود، اسلام را حفظ کرد. این ایستادگی، یک رمز و راز و یک عامل اصلی است. ملت هایی که برای هدفهای خود ایستادگی می کنند، موفقند. ممکن است این موفقیت، در کوتاه مدت به چشم آدمهای کوتاه بین نیاید؛ اما بدون تردید این موفقیت، تثبیت شده است و برو برگرد ندارد. شما به همین قضیه ی فلسطین مجروح مظلوم غصب شده نگاه کنید؛ مردمی که در آن جا هستند، الان یک سال است که ایستادگی کرده اند. اگر بخواهیم با چشم مادی به آمارهای ظاهری نگاه کنیم، می بینیم اینها یک سال کتک خوردند، ضربت دیدند، کشته و مجروح دادند؛ اما در واقع مسأله ی فلسطین را زنده کردند؛ دشمن را پا در گل گذاشتند و او را به اعتراف به عجز و ادّار کردند. هرچه که رژیم صهیونیستی ظالم و غاصب، سختگیری خود را بیشتر می کند، به عجز خود بیشتر اعتراف می کند. این نشان می دهد که درمانده است. الان هم شروع به عربده کشی و تهدید به جنگ در منطقه و بیرون منطقه کرده است؛ این برای چیست؟ برای این است که همان مردان مظلوم، همان زنهایی که بچه های چند ماهه شان هدف گلوله ی ظلم صهیونیستها قرار گرفتند، همان نوجوانانی که با سنگ به جنگ نیروهای تا دندان مسلح دشمن رفتند، دشمن را ضایع و عاجز کرده اند.

موازنه ی قدرت در دنیا، همه اش به یال و کوپال ظاهری و به چهره ی ابرقدرتی نیست؛ ایستادگی لازم است. ملت ما هم ایستادگی کرد و پیروز شد - هم در انقلاب، هم در جنگ، هم در دوران بعد از جنگ - امروز هم ایستادگی می کند و پیروز می شود. این فشارهایی که شما مشاهده می کنید - فشار تبلیغاتی، سیاسی، اقتصادی، یارگیریهای خائنه و رذالت آمیز از درون کشور به وسیله ی دشمن - به خاطر این است که ملت ایران طبق آیه ی شریفه ی «قالوا ربّنا الله ثمّ استقاموا»، (32) سخن حق و خواسته ی مشروع و منطقی خود را - که در دست گرفتن امور خود و قطع دخالت بیگانگان و تکیه به حکم و دین الهی است - با صدای رسا اعلام کرده و پای آن محکم ایستاده است. اما چه کسی در این خصوص پیروز خواهد شد؟ ملت و ایستادگی اوست که پیروز خواهد شد.

البته اینها میدان امتحان است. در دنیا آبروی خیلیها رفت. در قضیه ی فلسطین و ایران، آبروی قدرتهای بزرگ جهانی بر زمین ریخت؛ ملت های دنیا شناختند که در اظهارات اینها، ادّعاهای پوچ حقوق بشر و ضدّیت با تروریسم چقدر حقیقت دارد. شما ببینید امروز دولت امریکا ادّعا می کند که با تروریسم مخالف است؛ در همین حال رژیم صهیونیستی در سطح دولت تصمیم می گیرد که افراد مشخصی را - بیست و چند نفر را معین کرده است - ترور کند! این یک تروریسم رسمی دولتی است؛ درعین حال دولت امریکا از اینها حمایت می کند! آیا این، دروغگویی رژیم امریکا را اثبات نمی کند؟! ادّعا می کنند که طرفدار حقوق بشر و حقوق کودکان و حقوق زنانند؛ اما در داخل فلسطین، ناگهان با بلدوزرهای صهیونیستها، سقف روی سر کودک چندماهه و زن بی پناه در خانه ی خود نشسته، فرود می آید و

اینها لب نمی‌جنبانند و اخم نمی‌کنند! این کار، آبروی اینها را در برابر ملت‌های دنیا می‌برد. من به شما عرض کنم؛ خدا را سپاسگزاریم که روند کارها را چنان پیش آورده - البته همّت ملت عزیز و بزرگوار ایران بیشترین نقش را در این کار داشته است - که روزی روز پشتمانی جهانی و افکار عمومی نسبت به قدرتهای بزرگ ضعیفتر می‌شود و فریاد ملت‌ها علیه نظام سلطه‌ی جهانی، بلندتر و رساتر می‌گردد. امیدواریم که خداوند متعال به ملت ایران، عظمت و اقتدار و آن چیزی را که شایسته‌ی فداکاری و ایثار اوست، عنایت کند و به شما جامعه‌ی پرستاران کشور اجر جزیلی مرحمت کند و ان‌شاءالله بتوانید با دلگرمی، این شغل بسیار مهم و حساس و دشوار را پیش ببرید و اجرتان را از خدای متعال بگیرید. امیدواریم همه‌ی شما مشمول ادعیه‌ی زاکیه‌ی حضرت بقیةالله ارواحنا فداه باشید.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته

(30) زلزال: 7

(31) غافر: 19

(32) فصلت: 30